

## گامی به سوی مدیریت پایدار بوم‌نظام‌های مرتعی:

### ۱- ارائه چارچوب واکاوی و مدل مفهومی مشارکت بهره‌برداران مرتعی<sup>۱</sup>

هومان خاکپور، عطااله ابراهیمی، حجت‌الله خدری غریب‌وند<sup>۲،۳</sup>

#### چکیده

بهره‌برداری اصولی در سیستم‌های پیچیده اجتماعی-بوم‌شناختی مرتعی و توسعه الگوهای مشارکت مردمی به عنوان زیربنایی برای مدیریت پایدار بوم‌نظام‌های مرتعی به رسمیت شناخته شده‌اند که هم‌افزایی اجتماع‌های بهره‌بردار محلی را برای حفاظت از این منابع به دنبال دارد. برای درک بهتر سیستم‌های پیچیده اجتماعی-بوم‌شناختی و مقابله با چالش‌های پیچیده جهانی و دستیابی به مدیریت پایدار مرتع‌ها، ضرورت دارد که چارچوب‌های کاربردی و عملیاتی مدیریت مشارکتی توسعه داده و سنجش شوند. با توجه به کمبود اطلاعات و شکاف دانش، این پژوهش به دنبال ارائه چارچوبی نوین و جامع در زمینه مدیریت مشارکتی بهره‌برداران مرتعی می‌باشد. در راستای دستیابی به این هدف، ابتدا منابع مرتبط با مشارکت مردمی مرور و به دنبال آن چارچوبی نوین برای واکاوی مشارکت بهره‌برداران مرتعی ارائه شد. سپس، با نمونه‌برداری غیراحتمالی هدفمند ۳۰ نفر از خبرگان محلی انتخاب و با انجام مصاحبه، داده‌ها و اطلاعات مرتبط با معیارهای چارچوب، از جمله آموزش، مشارکت، تسهیلگری، سرمایه‌ها، استخراج شدند. در ادامه، ضمن سنجش چارچوب مفهومی ارائه شده در مرتع قلنگان شهرکرد، مدل مفهومی آن ترسیم گردید. یافته‌های سنجش هر محور چارچوب و مدل نهایی، در بررسی‌های جداگانه قابل ارائه، ارزیابی شده‌اند. این پژوهش پیشنهاد می‌کند برای مدیریت پایدار بوم‌نظام‌های مرتعی و درک بهتر مشارکت بهره‌برداران، به چارچوب‌های مفهومی جدیدی نیاز است تا ضمن در نظر گرفتن وضع موجود، سنجش‌های موثر بر مشارکت بهره‌برداران را مورد توجه قرار دهد.

**واژه‌های کلیدی:** چارچوب واکاوی و مدل مفهومی، شهرکرد، مرتع قلنگان، مشارکت بهره‌برداران مرتعی.

#### مقدمه

عرصه‌های منابع طبیعی همواره نقش مهمی در تأمین منابع و سنجش‌هایی حیاتی در فرایند توسعه و سیاست‌گذاری دارند (اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۸). با این حال، منابع طبیعی و جامعه‌های انسانی وابسته به آن، در بیشتر منطقه‌های جهان، به

ویژه در کشورهای در حال توسعه با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند. مهمترین چالش‌ها شامل افزایش جمعیت و پیامدهای محیطی زیستی، فرسایش خاک، جنگل‌زدایی، بیابان‌زایی، زوال گونه‌های گیاهی و جانوری و کاهش تنوع زیستی، تغییرهای اقلیمی، افزایش نوسان‌های دمایی، تغییر در الگوهای بارش و تکرار وقوع خشکسالی‌های شدید می‌باشند. به دنبال آن، تحول‌های فرهنگی و اجتماعی روی داده و نگرش‌های اجتماعی و جهت‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی نیز تغییر کرده است (کشاورز و مؤیدی، ۱۳۹۴؛ علیزاده و همکاران، ۱۳۹۷؛ اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۸؛ الله‌ویردی و همکاران، ۱۴۰۰). افزون بر این، چالش‌های عمده مدیریتی و ساختارهای نامتناسب سازمانی و برنامه‌ریزی‌های دولتی، نبود توجه شایسته به سرمایه‌های اجتماعی، مشارکت‌های مردمی و الگوهای بهره‌برداری اصولی، بخش دیگری از دغدغه‌های زیست‌محیطی و منابع طبیعی کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران هستند که مدیریت پایدار منابع طبیعی را تهدید و جامعه‌های محلی با معیشت‌های مبتنی بر منابع طبیعی و کشاورزی را با پیامدهای نامطلوب رو به رو کرده است (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۷).

در واقع، تغییرهای جهانی متأثر از جهانی‌شدن به‌عنوان فرایند اثرهای زیست‌محیطی در مقیاس بزرگ، معیشت‌های مردم و الگوهای مصرف آنان را به‌طور عمده‌ای دستخوش تغییر قرار داده است (خاکپور، ۱۴۰۰). در اثر این تغییرهای جهانی و به ویژه رشد فزاینده جمعیت، گسترش بی‌رویه شهرها، نداشتن آگاهی مناسب بهره‌برداران و نبود برنامه‌ریزی‌های اصولی، سطح منابع طبیعی به‌شدت کاهش یافته است و به‌واسطه تخریب کمی و کیفی، این منابع در خطر نابودی قرار گرفته‌اند. برای مقابله با چالش‌های پیچیده جهانی توسعه پایدار و مدیریت منابع طبیعی، به منظور درک و مدیریت تغییر سیستم‌های پیچیده اجتماعی بوم‌شناختی، ارزیابی چارچوب‌های کاربردی و عملیاتی ضرورت دارد (Easdale & López, 2017). بنابراین، لازم است چارچوب‌های علمی و قابل اجرا در راستای توسعه پایدار منابع طبیعی تدوین و طراحی شوند. چارچوب‌هایی که در قالب مدل‌ها، الگوها و چارچوب‌های مفهومی قابل تشخیص باشند.

مدیریت پایدار منابع طبیعی به مدیریت منابع زمین، آب، خاک، دام و گیاه با تمرکز ویژه بر چگونگی تأثیر آن‌ها بر زندگی انسان اشاره دارد. این مفهوم هم‌راستا با مفهوم توسعه پایدار است که به‌عنوان یک اصل علمی بر مبنای مدیریت پایدار زمین و حکمرانی محیط زیست برای حفاظت و بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی عمل می‌کند. مدیریت پایدار منابع طبیعی بر درک فنی و علمی از منابع، ویژگی‌های بوم‌شناسی و ظرفیت آن‌ها برای حمایت از معیشت‌های انسانی با توجه به اصل پایداری آن منابع استوار است (Ballet *et al.*, 2007). افزایش سطح استانداردهای رفاهی و زندگی بشر و لزوم تأمین امکان‌های متناسب سبب شده است تا نیاز به بهره‌برداری از منابع طبیعی شتاب بیشتری گیرد (Hill & Mustafa, 2011). اگرچه بیشتر تهدیدها و فشارها ممکن است در نگاه اول به شکل بهره‌برداری کنترل نشده از منابع و کاهش سطح رفاه بشر جلوه کند، ولی در پایان به تخریب و فقر بیشتر بوم‌نظام‌ها خواهند انجامید (Mertz *et al.*, 2005).

در راستای مدیریت پایدار منابع طبیعی، در کشورهای مختلف، وظیفه‌های سازمانی متنوعی برای دستگاه‌ها و نهادهای متولی منابع طبیعی تعریف و نهادینه شده‌اند. در ایران براساس قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مرتع‌ها مصوب ۱۳۴۶، وظیفه مدیریت منابع طبیعی شامل حفظ، احیا، توسعه و بهره‌برداری برای سازمان جنگل‌ها تعریف شده است، به‌طوری‌که تمامی زیربخش‌های سازمانی در راستای برآورده شدن این وظیفه‌ها و هدف‌ها تعریف و طراحی شده‌اند. در دهه‌های گذشته، مدیریت‌های سنتی با رویکردهای از بالا به پایین بر منابع طبیعی کشور حاکم بوده‌اند و دستگاه‌های دولتی متولی به‌طور عمده یکجانبه و بدون مشورت با مردم تصمیم‌گیری می‌کردند، به این معنا که تصمیم‌گیران از پایگاه‌های تصمیم‌گیری فاصله زیادی داشتند و دانش عمیقی از نیازهای مردم محلی نداشتند. به بیان دیگر، از آنجایی که در رویکردهای

گامی به سوی مدیریت پایدار بوم‌نظام‌های مرتعی: ۱- ارائه چارچوب واکاوی و مدل مفهومی مشارکت بهره‌برداران مرتعی

از بالا به پایین توجه شایسته‌ای به بهره‌برداران محلی وجود نداشته است و به طور معمول تصمیم‌گیران با شکست رو به رو شده‌اند (Grilli & Notaro, 2019). نبود شناخت عمیق از نیازهای اجتماع‌های محلی و تصمیم‌گیری‌های بدون مشارکت و همراهی آن‌ها، تخریب گسترده منابع طبیعی (جنگل‌ها و مرتع‌ها) را به دنبال داشته که در سال‌های اخیر نیز شدت گرفته است. کشورهای مختلف تلاش‌های زیادی در این راستا داشته‌اند و بررسی‌های زیادی نیز در این زمینه صورت گرفته است (Reed et al., 2015; Wang et al., 2017; Khedriharibvand et al., 2018).

این واقعیت که برخی از امور تنها از راه جلب همکاری گروه‌های مردمی و تشکل‌های غیردولتی قابل اجراست، باید در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرارگیرد. افزون براین، باید به مردم به عنوان محور اساسی در توسعه منابع طبیعی اعتقاد داشت و زمینه مشارکت آن‌ها را در هر طرحی فراهم کرد که این امر وظیفه مسئولان منابع طبیعی کشور است. به طوری که نبود توجه به مشارکت مردم و ویژگی‌ها و موقعیت ذینفعان در شبکه رابطه‌های اجتماعی به شکست برنامه‌های مدیریت مشارکتی انجامیده است (اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۸؛ الله ویردی و همکاران، ۱۴۰۰). در این راستا، یکی از سیاست‌های اجرایی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری به‌عنوان متولی بوم‌نظام‌های مرتعی، توسعه مشارکت و جلب همکاری‌های بهره‌برداران متعدد در قالب تشکل‌های مرتعداری از راه تسهیل‌گران منابع طبیعی با تأکید بر ظرفیت‌سازی و توانمندسازی و تحقق هدف‌های مدیریت پایدار منابع طبیعی و به‌ویژه مدیریت پایدار بوم‌نظام‌های مرتعی است (سازمان جنگل‌ها، مرتع‌ها و آبخیزداری کشور، ۱۳۹۷). از آنجایی که برای مقابله با چالش‌های پیچیده جهانی توسعه پایدار و مدیریت پایدار منابع طبیعی، به ویژه مدیریت پایدار بوم‌نظام‌های مرتعی، نیاز به کاربرد چارچوب‌هایی است که بتوانند تغییرها را در سیستم‌های اجتماعی و بوم‌شناختی پیچیده به‌خوبی درک و مدیریت کنند و مشارکت بهره‌برداران مختلف را به رسمیت بشناسند (Easdale & López, 2017)، پژوهش حاضر در پی ارائه چارچوب و مدل مفهومی برای توسعه مشارکت بهره‌برداران مرتعی در مدیریت مرتع می‌باشد.

### **ضرورت ارایه چارچوب و مدل مفهومی مشارکت بهره‌برداران مرتعی**

از دیدگاه سیاست‌گذاری، توسعه چارچوب‌های واکاوی در زمینه پایداری نقش مهمی در اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه برای برطرف کردن دشواری‌ها دارند که این امر نیاز به رویکردهای همکاری و تطبیقی را در مقیاس‌های مکانی و زمانی توجیه و برجسته می‌کند (Easdale & López, 2017).

در ارائه مدل‌ها، الگوها و چارچوب‌های مفهومی و واکاوی در زمینه‌های مرتبط با مشارکت، مدیریت مشارکتی و حکمرانی مشارکتی در بخش‌های علمی- تخصصی مختلف، پژوهش‌های متعددی شده است. قربانی و همکاران (۱۳۹۴) در زمینه مدیریت مشارکتی تطبیقی مرتع به واکاوی سرمایه اجتماعی شبکه اجتماعی بهره‌برداران پرداختند و نشان دادند مقدار اعتماد، مشارکت، انسجام و سرمایه اجتماعی ضعیف است. برای اعمال مدیریت مشارکتی منطبق با شرایط اجتماعی جامعه بهره‌برداران، پیشنهاد شد سرمایه اجتماعی براساس شاخص‌های مهم شبکه اجتماعی تقویت شود. انصاری و عندلیب (۱۳۹۵) با ارائه جدولی مطابق با منتخبی از نردبان‌های مشارکتی که تناسب مفهومی بیشتری با بخش شهرسازی دارند و تشخیص‌دهنده رابطه میان ابزارهای مشارکتی و سطح‌های مشارکت هستند، الگویی نوین برای میزان مشارکتی بودن طرح‌ها ارائه دادند. توانانی بشرویه و همکاران (۱۳۹۵) به‌منظور رفع مشکل دفع مواد زاید شهری و آلودگی محیط‌زیستی و لزوم مشارکت مردم، ضمن بررسی عامل‌های موثر بر میزان مشارکت مردمی در مدیریت پسماند، مدل مفهومی مشارکت مردمی ارائه دادند. نتایج نشان داد عامل آموزش ارتباط معنی‌داری با میزان مشارکت مردم در مدیریت پسماند دارد و با آموزش بهتر می‌توان زمینه مشارکت مردم را ایجاد کرد.

مقیمی بنهنگی و باقری (۱۳۹۷) در زمینه مدیریت یکپارچه منطقه‌های ساحلی، چارچوب ارزیابی ساختار حکمرانی و ارتقای مشارکت عمومی را در طرح‌های مدیریت زیست محیطی ارائه دادند. یافته‌ها نشان دادند بهره‌برداران در وضعیت موجود ظرفیت‌های کافی و لازم را برای مشارکت ندارند. ظرفیت‌سازی به عنوان یک ضرورت برای بهبود مشارکت مردمی و خروجی‌های طرح مدیریت یکپارچه ساحلی پیشنهاد شد. بیرجندی و همکاران (۱۳۹۸) در یک بررسی، مدل نظری سنجه‌های سازمانی اثرگذار بر توسعه کارآفرینی را برای سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در بخش محیط‌زیست ارائه دادند و نقش مشارکت مردمی در زمینه حفاظت محیط زیست از راه سازمان‌های مردم‌نهاد را در توسعه کارآفرینی برجسته کردند. سالاریان و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان چارچوب دستیابی به چشم‌انداز مشترک در مدیریت مشارکتی-راهبردی آب در حوضه آبخیز کشف رود، چارچوبی در سه گام شناسایی کنشگران و استخراج دغدغه‌های آنان، راهبردهای دستیابی به چشم‌انداز و بررسی سیاست‌های کلان مرتبط و قابلیت اجرایی و اثرگذاری سیاست‌های کلان ارائه دادند.

الله‌ویردی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان مدل الگوی مشارکت اجتماعی در توسعه پایدار محله‌های شهری با مطالعه موردی در منطقه ۶ شهر تهران، متغیرهای اصلی تاثیرگذار بر تمایل شهروندان را در مشارکت و سهم اثرگذاری هریک از متغیرها را بررسی کردند. یافته‌ها نشان دادند از نظر ذهنی آمادگی برای مشارکت وجود دارد، ولی از نظر عملی سطح مشارکت بسیار اندک است. رحیم‌زاده سیسی بیگ و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی، الگوی مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد را در نظام مدیریت شهری در کلان‌شهر تهران تدوین کردند. نتیجه نشان داد سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در مشارکت شهروندان در مدیریت شهری موثر واقع شوند. عراقیه فراهانی و همکاران (۱۴۰۰)، با ارائه مدلی از عوامل تاثیرگذار بر مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان در اجرای طرح‌های توسعه پایدار ناحیه‌های شهری نشان دادند بین عوامل‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و اجرای طرح‌های توسعه پایدار شهری با میانجیگیری مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

طراحی الگوی مشارکت عمومی بر پایه خط‌مشی‌گذاری با رویکرد چندروشی نشان داد نقش مردم در تصمیم‌گیری‌ها و مشارکت عمومی بسیار موثر است و اراده مسئولان در مشارکت‌دهی مردم و تمایل مردم به مشارکت در خط‌مشی‌گذاری مشارکت عمومی اهمیت دارد. در این راستا، لازم است زیرساخت‌های لازم برای مشارکت تامین شود. افزون بر این، تامین معیشت، درآمد مناسب و عدالت توزیعی از ضرورت‌های مشارکت مردم قلمداد شده است (قربانی زاده و همکاران، ۱۴۰۰). هوشمند پور و همکاران (۱۴۰۱) با مشخص کردن چارچوب مفهومی چگونگی شکل‌گیری تعامل اجتماعی در بازارهای سنتی شمال غرب ایران نشان دادند سنجه‌های فضا، اقلیم، بوم و فرهنگ و فرم بر ایجاد فضای تعامل اجتماعی و مشارکت مردم در بازارهای سنتی موثر است و فضای سنتی بازار توانسته است نیاز شهروندان را تامین و حس تعلق و ایجاد شبکه‌های اجتماعی را تقویت کند.

با توجه به کمبود اطلاعات و شکاف دانش، این پژوهش در راستای آرایه چارچوبی نوین و جامع در زمینه مشارکت بهره‌برداران مرتعی انجام شده است. برای دستیابی به این هدف، ضروری است مفهوم‌های عمده‌ای که قرار است در چارچوب واکاوی مفهوم‌سازی و مورد توجه قرار گیرند، مشخص شوند تا در نهایت مدل مفهومی مشارکت بهره‌برداران مرتعی آرایه شود. این مطالعه، در نظر دارد معیارهای مرتبط با توسعه مدل را شناسایی، شناسایی و توصیف کند. به دنبال آن، سنجه‌های یاد شده را بازسازی و آن‌ها را در قالب چارچوب واکاوی و مدل مفهومی ترسیم، طراحی و آرایه دهد.

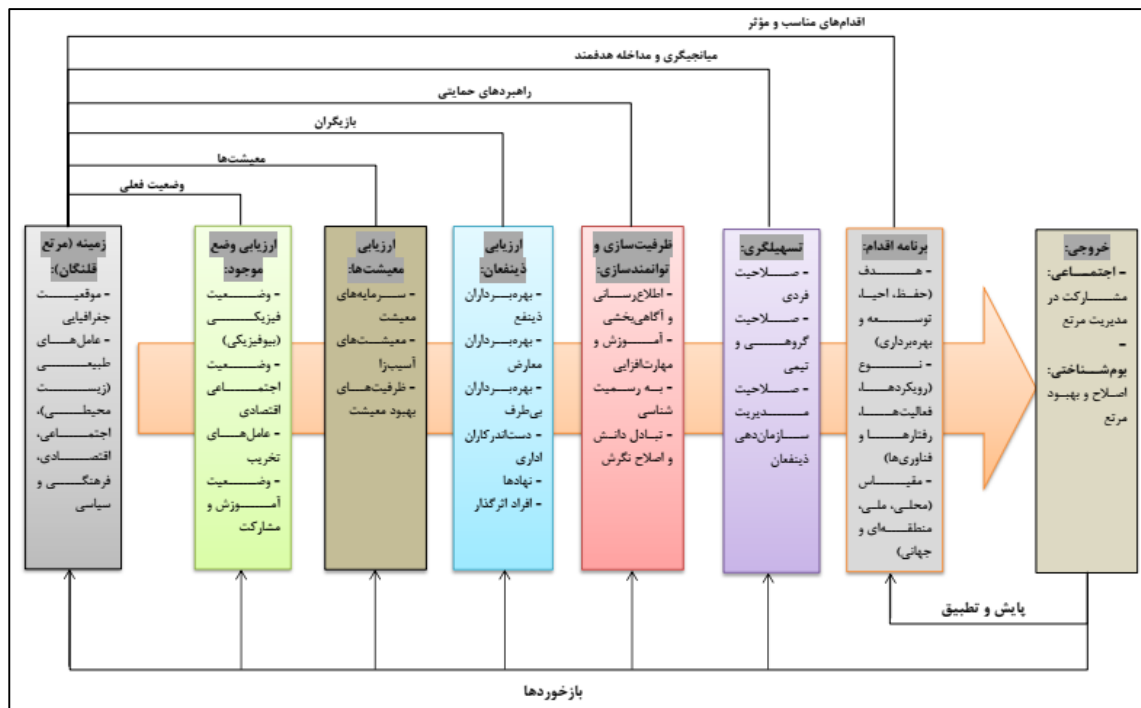
## مواد و روش‌ها

### منطقه پژوهش

این مطالعه در مرتع قلنگان واقع در بخش مرکزی شهرستان شهرکرد استان چهارمحال و بختیاری در حوضه آبریز کارون بزرگ انجام شده است. شرح کامل منطقه مورد مطالعه، در مقاله دیگری (خاکپور و همکاران، ۱۴۰۲) ارائه شده است.

### مشخص کردن چارچوب نظری-مفهومی مشارکت بهره‌برداران مرتعی

برای اجرای این پژوهش در آغاز، مرور جامعی از منابع مرتبط در زمینه مشارکت در منابع طبیعی (به‌طور کلی) و مدیریت مرتع‌ها (به‌طور ویژه) انجام شد. پس از آن بررسی‌های موجود جمع‌بندی و مسئله‌ها و دغدغه‌های مختلف در زمینه عامل‌های مؤثر بر مشارکت‌های مردمی شناسایی گردید. با توجه به این‌که بررسی‌ها در زمینه مشارکت در سایر بخش‌ها و رشته‌های علمی نیز صورت گرفته است، با الگوگیری از مدل‌ها و چارچوب‌های واکاوی بخش‌ها و رشته‌های علمی مختلف، چارچوب واکاوی جدیدی طراحی، ترسیم و ارائه شده است. لازم است گفته شود که ترسیم و ارائه این چارچوب و گام‌های هفتگانه آن ابتکاری است. هرچند الگوها و مدل‌های مختلفی ارائه شده است، تاکنون چارچوب مفهومی مشابهی درباره مشارکت بهره‌برداران مرتعی مستند نشده است. در طراحی این چارچوب، در راستای دستیابی به چارچوب و مدل نهایی مشارکت ترتیب گام‌های موردنظر باید مورد توجه قرار گیرد. چارچوب واکاوی برای سنجش‌های مؤثر بر مشارکت بهره‌برداران مرتعی در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱- چارچوب واکاوی برای سنجش‌های مؤثر بر مشارکت بهره‌برداران در مدیریت مرتع.

در این چارچوب واکاوی، سنجش‌های اصلی از جمله زمینه، نگرش، معیشت، ذینفعان، ظرفیت‌سازی و توانمندسازی، تسهیلگری و برنامه اقدام بررسی و ارزیابی می‌شوند.

**گام اول - ارزیابی زمینه**

گام اول مدل، بررسی زمینه و بستری است که قرار است پژوهش در آن صورت گیرد. در الگوی مشارکتی مدیریت مرتع زمینه و بستر زیست تعریف و مشخص می‌شود؛ به این معنا که ابتدا زمینه‌ای که قرار است مشارکت مردمی و اکاوی و ارزیابی شود مورد توجه قرار می‌گیرد. زمینه، در واقع محیطی است که برنامه در آن طراحی و اجرا می‌شود. در راستای اهمیت زمینه، الگوی ارزیابی سیپ<sup>۱</sup> شامل زمینه<sup>۲</sup>، درونداد<sup>۳</sup>، فرایند<sup>۴</sup> و برون‌داد<sup>۵</sup>، به این سنجه‌ها پرداخته است (شعبانعلی قمی، ۱۳۸۹). در واقع، وضع موجود بستر و شرایط اجتماعی-بوم‌شناختی، سنجه‌های مهم است که اغلب بررسی‌های صورت گرفته در ارائه چارچوب‌های واکاوی و مفهومی در نظر گرفته‌اند. در این گام، داده و اطلاعات مورد نیاز، با استفاده از روش ارزیابی سریع گردآوری شدند. اطلاعات جمعیت شناختی شامل تعداد مرد و زن، میزان سواد، سن و جنس و وضعیت طبیعی شامل وضعیت مرتع، زراعت، فرصت‌ها، تهدیدها و ظرفیت‌های معیشتی بودند. اطلاعات اجتماعی شامل نظام بهره‌برداری، واکاوی ذینفعان و تعیین وضعیت اختلاف‌ها، تضادها و تعارض‌های موجود بودند. تیم مطالعه با استفاده از ابزارهای مختلف همچون ضبط صوت، دوربین عکاسی، دوربین فیلم‌برداری، مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی، مشاهده میدانی، پرسشنامه و مصاحبه اطلاعات مرتبط با این گام را به دست آوردند. از روش‌های بررسی کتابخانه‌ای و اسنادی برای بررسی واکاوی اطلاعات جمعیتی مرتع، وضعیت پوشش گیاهی مرتع، وضعیت انواع کاربری زمین‌ها در مرتع، و وضعیت بهره‌برداری از مرتع استفاده گردید. افزون بر این، از مشاهده میدانی، پرسشنامه و مصاحبه، وابستگی معیشت گروه‌های بومی یا اجتماع‌های محلی به مرتع، سابقه‌های تاریخی و پیشینه تعارض‌ها و مناقشه‌ها، معتمدان و ریش‌سفیدان، بهره‌برداران، نقطه‌های ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای مرتع، لیست کلیه پروژه‌های اجرا شده و در حال اجرا و ارزیابی سرمایه‌های معیشت بهره‌برداران مرتع قلنگان شهرکرد استفاده شد.

**گام دوم - ارزیابی نگرش**

برای برقراری ارتباط صحیح با مردم و بهره‌برداران به منظور تشویق به مشارکت و همکاری، واکاوی نگرش آن‌ها در زمینه‌های مختلف ضروری است تا بتوان فهم و ذهنیت مشترک به وجود آورد. در واقع، ارزیابی نگرش، تلاش در راستای فهم بیشتر در زمینه‌های مختلفی است که بهره‌برداران درگیر هستند و اشتراک نظر و دیدگاه آنان که می‌تواند به فهم مشترک کمک کند. با این اقدام اعتماد بهره‌برداران نسبت به اجرای طرح‌های منابع طبیعی و احساس تعلق آنان تقویت می‌شود که در این صورت می‌تواند پایداری طرح‌های اجرا شده را تا حد زیادی افزایش دهد. در این پژوهش، نگرش مرتعداران در ارتباط با وضعیت طبیعی (تخریب مرتع‌ها) و اجتماعی-اقتصادی مرتع (آموزش و مشارکت) سنجش شد.

**گام سوم - ارزیابی معیشت**

برای دستیابی به اطلاعات جامع‌تری از وضعیت موجود، ارزیابی معیشت بهره‌برداران ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در این زمینه، از رویکرد معیشت پایدار استفاده شد. رویکرد معیشت پایدار بعدها و سنجه‌های متنوعی دارد شامل سرمایه‌های معیشت، زمینه‌های آسیب‌پذیری، سیاست‌ها، فرایندها و نهادها، راهبردهای معیشتی و پیامدها و یا خروجی‌ها که پژوهشگر می‌تواند با توجه به هدف، زمان و هزینه، همه یا بخشی از آن‌ها را بررسی کند. در فرایند ارزیابی معیشت، معیشت‌های آسیب‌زایی که موجب تضعیف ظرفیت‌های و قابلیت‌های اشتغال‌زایی و معیشتی باشند را می‌توان شناسایی و مدیریت کرد. افزون بر این، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های تقویت معیشت که به تنوع‌بخشی معیشت کمک کنند نیز شناسایی می‌شوند.

### **گام چهارم - واکاوی ذینفعان**

پژوهشگر باید بداند که جامعه هدف چه کسانی هستند و چه گروه‌هایی در مدیریت منابع و در ارتباط با جامعه هدف تأثیرگذار و تأثیرپذیر هستند. افزون بر این، قدرت و منفعتی که هر یک از بهره‌برداران جامعه هدف دارند، شناسایی شود تا بتوان شبکه گروه‌های درگیر را شکل داد و موردهایی را که لازم است هم‌گرایی‌ها، واگرایی‌ها و اختلاف‌ها و تضادهای آنان مدیریت شوند، شناسایی کرد. این گروه‌های به‌اصطلاح دارای منافع مشترک (از جمله سودهای زمین، منافع اجتماعی، سرمایه‌های مشترک، هم‌محله‌ای‌ها، وابستگی‌های قومی و مانند این‌ها)، ذینفعان نام دارند که شناسایی و واکاوی آنان ضرورت دارد.

### **گام پنجم - ظرفیت‌سازی و توانمندسازی**

ظرفیت‌سازی و توانمندسازی اجتماع‌های محلی زمینه تقویت سرمایه اعتماد عمومی را برای گسترش فعالیت‌های مشارکتی فراهم می‌آورد. از این‌رو، باید یکی از سنج‌های اساسی در بهبود زندگی مردم در فرایند مشارکت مورد توجه قرار گیرد. در این راستا، از آنجایی که فرایند مشارکت در بستر تأمین منفعت‌های عموم شکل می‌گیرد باید با رویکرد ظرفیت‌سازی و توانمندسازی برای بهره‌برداران محلی و عموم مردم همراه باشد. منفعت‌های مشترک همواره منافع مالی نخواهد بود، و اگر فرایند مشارکت تأمین‌کننده منافع اجتماعی، انسانی، فرهنگی، مالی، فنی و زیرساختی بهره‌برداران و مردم محلی درگیر با موضوع را فراهم سازد، با سرعت و پایداری بیشتری شکل می‌گیرد. در این راستا، مشارکتی موفق‌تر خواهد بود که فراگیر، در تأمین منافع عموم، ظرفیت‌ساز، توانمندساز و در سرمایه‌گذاری و تسهیم منافع شفافیت داشته باشد. ظرفیت‌سازی و توانمندسازی با دامنه گسترده‌ای از مفهوم‌ها در ابعاد انسانی، فنی، مالی، علمی، فرهنگی و نهادی در ارتباطند. در زمینه ارتقا ظرفیت، برنامه‌های آموزشی و ترویجی و در زمینه توانمندسازی، شناسایی ظرفیت‌های بالقوه برای بهبود معیشت و تاب‌آوری جامعه در برابر آسیب‌های احتمالی بررسی می‌شوند.

### **گام ششم - تسهیلگری**

در راستای برآورده شدن مشارکت با تأکید بر ظرفیت‌سازی و توانمندسازی بهره‌برداران، تسهیلگر به‌عنوان میانجیگر، افزون بر انسجام محلی و سازمانی، وظیفه اعتمادسازی گروه‌های درگیر را نیز بر عهده دارد. به‌منظور دستیابی به مشارکت واقعی و برآورده شدن هدف‌های مشارکت، توجه به اعتمادسازی و انسجام فردی و سازمانی گریزناپذیر است که این امر باید چندجانبه و در سطح‌های مختلف انجام شود. در واقع، انسجام را نباید فرایندی منفرد، منحصر و یک‌طرفه در نظر گرفت. اعتمادسازی لازمه مشارکت واقعی است که باید توسط تسهیلگر دنبال شود که انسجام موردنظر به‌خوبی شکل گیرد. تسهیلگر موفق باید صلاحیت‌های لازم را در زمینه‌های مختلف داشته باشد. تسهیلگر باید در بخش‌های فردی (علاقه، داشتن روحیه تسهیلگری، قدرت بیان، اعتمادبه‌نفس، مردمی بودن، صبر و حوصله)، در کار تیمی و گروهی (توانایی جلب مشارکت دیگران، جلب مشارکت و شناسایی فرد بهره‌بردار، توانایی مدیریت و رفع تعارض‌ها، ایجاد انگیزه و ترغیب مخاطبان، شناسایی ظرفیت‌ها و به‌کارگیری آن و ایجاد محیط مناسب) و در بخش مدیریتی / ساماندهی (آشنایی با روش‌های مدیریت، ارتباط با نهادهای دولتی، آشنایی با قانون و مقررات سازمان، کار با تشکل‌ها و نهادهای اجتماعی) مهارت لازم را داشته باشد.

**گام هفتم - برنامه اقدام**

با توجه به اینکه هدف کلی و مأموریت‌های اصلی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری حفظ، احیا، توسعه و بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی (مرتع و جنگل) است، لازم است رویکردها، فعالیت‌ها و رفتارها به صورت مشارکتی طراحی شوند و در گام نهایی، برنامه اقدام مشارکتی با ظرفیت پایش و تطبیق همه اقدام‌ها و فعالیت‌های صورت گرفته تدوین و ارائه شود. در این راستا، اقدام‌های اجرایی پیشنهادی باید با رویکردی مشارکتی از جمله ارزیابی سریع مشارکتی، طراحی و اجرا شوند. توافق عمومی بر برنامه‌های اجرایی، تأمین منافع عموم، بهبود شرایط طبیعی و پایداری محیط به سود همگان است و دخالت همه ذینفعان در تدوین برنامه‌های اقدام در کاهش دشواری‌های اجرایی برنامه‌ها موثر است.

**خروجی نهایی**

کلیه تلاش‌ها در راستای تدوین و سنجش الگوی مدیریت مشارکتی با در نظر گرفتن سنجش‌های مؤثر و ارائه برنامه اقدامی است که بتواند ضمن تطبیق و پایش، مشارکت واقعی بهره‌برداران مرتعی را تضمین کند و بهبود بخشد. با در نظر گرفتن سنجش‌های مؤثر بر مشارکت بهره‌برداران مرتعی و پایش برنامه‌ها و تطبیق در طول زمان چنین امری امکان پذیر است.

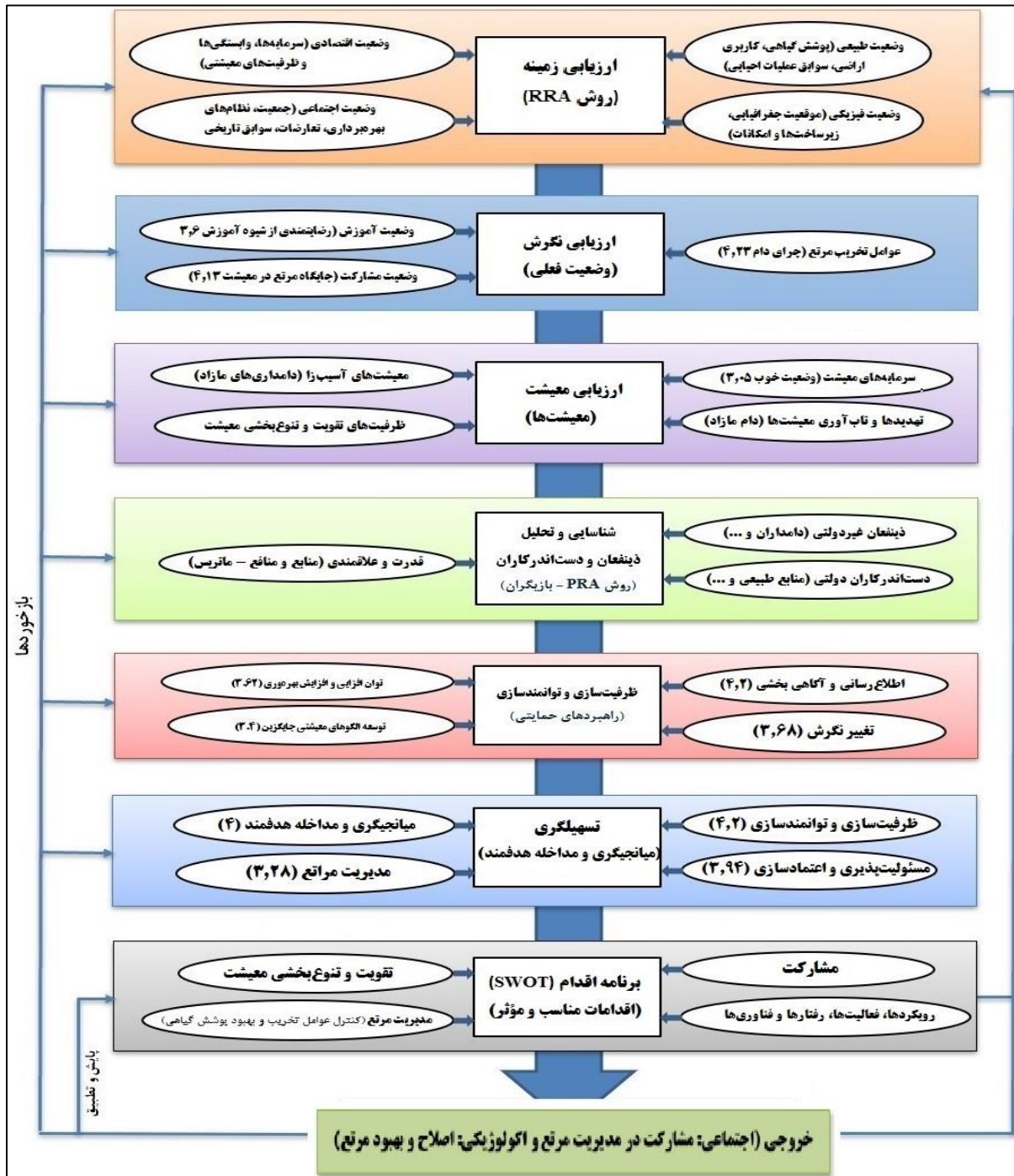
**نتایج****ارائه مدل مفهومی با رویکرد عملی مشارکت مردمی در مدیریت مرتع**

در این پژوهش، چارچوب مفهومی با رویکرد عملی مشارکت مردمی در مدیریت مرتع در هفت گام تدوین و طراحی شد. گام‌های هفت‌گانه به صورت فرایندی پویا است که هر گام در تعامل با گام‌های دیگر عمل می‌کند. برای ارزیابی این مدل، گردآوری و واکاوی داده‌های ارزیابی به طور منظم پیش می‌رود و برای بهبود فرایند به صورت دوره‌ای، ارزیابی کلی فرایند مشارکت بهره‌برداران مرتعی صورت می‌گیرد تا همواره با ظرفیت پایش و تطبیق مورد بازنگری و اصلاح قرارگیرد. نتیجه‌ها و خروجی‌های چارچوب مفهومی در مدل مفهومی نهایی ارائه شده است (شکل ۲). مدل نهایی با توجه به چارچوب مفهومی اولیه و نتیجه‌های ارائه شده تدوین شده است. این مدل فهم دقیق‌تری از چارچوب اولیه پژوهش ارائه می‌دهد، به این معنا که اگر هدف ارائه مدل و الگویی با رویکرد عملی از مدیریت مشارکتی باشد، لازم است گام‌های طراحی شده در چارچوب اولیه، در بررسی جزئی‌تر واکاوی و مشخص شوند. در مدل ارائه شده گام‌ها و جزءهای چارچوب اولیه، جزئی‌تر سنجش و ارزیابی شدند که شرح و واکاوی هر گام و جزءهای چارچوب اولیه در قالب مفهوم‌ها و سنجش‌های ارزیابی زمینه، نگرش، معیشت، بهره‌برداران، ظرفیت‌سازی و توانمندسازی، تسهیلگری و برنامه اقدام به صورت جداگانه ارائه شده است. یافته‌های سنجش هر محور چارچوب و مدل نهایی، به طور جزئی در پژوهش خاکپور (۱۴۰۰) ارائه و در بررسی‌های جداگانه قابل ارایه، ارزیابی شده است.

**ارزیابی زمینه**

با توجه به مدل نهایی ارائه شده، در گام اول چارچوب مفهومی جزءهای تفکیک‌شده، از راه روش ارزیابی سریع روستایی وضعیت‌های طبیعی، فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی استخراج شدند. وضعیت طبیعی (پوشش گیاهی، کاربری زمین‌ها و پیشینه‌های عملیات احیایی)، وضعیت فیزیکی (موقعیت جغرافیایی، زیرساخت‌ها و امکان‌ها)، وضعیت اجتماعی (جمعیت، نظام‌های بهره‌برداری، تعارض‌ها و پیشینه‌های تاریخی) و وضعیت اقتصادی (سرمایه‌های معیشت، وابستگی‌های معیشتی و ظرفیت‌های معیشتی) بررسی شدند.





شکل ۲ - مدل مفهومی با رویکرد عملی مشارکت بهره‌برداران مرتعی.

در نتایج ارزیابی کلی شرایط زمینه و وضع موجود مرتع قلنگان، بهره‌برداران مرتعی در قالب ۹۳ خانوار مرتعدار دارای پروانه چرا و ۲۶ دامدار بدون پروانه چرا با ۴۵ فامیل متفاوت در مرتع گزارش شدند. همچنین نظام بهره‌برداری، عشایری برون کوچ و عشایری درون کوچ و نوع بهره‌برداری از مرتع مشاعی گزارش شد. مرتعداران به‌طور عمده ساکن شهرکرد

بودند که زیرساخت‌های فیزیکی و رفاهی آن مطلوب است. بهره‌برداران از تنوع معیشت در مرتع برخوردار بودند. نظام تولید دام داشتند، اما از منابع کشاورزی نیز برای تامین معیشت بهره‌برداری می‌کردند و در مواردی از حرفه‌های غیروابسته به منابع طبیعی و کشاورزی بهره‌می‌بردند. مهاجرت دائمی به ندرت وجود دارد. تعارض‌های مردم با یکدیگر با موضوع‌های پروانه چرا و حد زمین‌های کشاورزی مورد مناقشه است. درباره سنج‌های وضعیت پوشش گیاهی مرتع (تیپ، وضعیت و گرایش مرتع)، وضعیت کاربری زمین‌ها (مرتع، باغ و زراعت‌های دیم و آبی)، وضعیت بهره‌برداری (روستایی، عشایری درون کوچ، عشایری برون کوچ، ترکیبی روستایی و عشایری و وضعیت مالکیت عرفی و نوع بهره‌برداری مشاعی، افزاری، مشاعی شورایی، ترکیبی مشاعی و افزاری)، وابستگی معیشت گروه‌های بومی یا اجتماع‌های محلی (شغل‌های وابسته به دامداری، شغل‌های وابسته غیرمستقیم به منابع طبیعی و شغل‌های غیر وابسته به منابع طبیعی)، پیشینه‌های تاریخی و پیشینه تعارض‌ها و مناقشه‌ها (تعارض‌های درون جامعه محلی، تعارض‌های جامعه محلی با دستگاه منابع طبیعی، تعارض جامعه محلی با دیگر موسسه‌ها و ادارها، ابتکارها و خلاقیت‌های مردم محلی در مصالحه و حل تعارض و مشکل)، بهره‌برداران (بهره‌برداران مرتعی، تعاونی‌ها و تشکل‌های بهره‌بردار، اداره‌های دولتی بهره‌بردار در مرتع، مردم‌نهاد یا سمن‌های منابع طبیعی)، معتمدان و ریش‌سفیدان اطلاعات اولیه استخراج و ثبت گردید.

### ارزیابی نگرش

نتیجه ارزیابی و سنجش نگرش، عامل‌های تخریب مرتع، وضعیت آموزش و مشارکت در مرتع قلنگان در شکل ۲ ارائه شده است. در ارزیابی صورت گرفته توسط خاکپور (۱۴۰۰) عامل‌های تخریب مرتع، بین تمامی معیارهای مورد بررسی اختلاف معنی‌داری وجود داشت، به طوری که بیشترین به کمترین مقدار میانگین عددی بار اهمیت به ترتیب برای چرای دام، تصرف غیرقانونی زمین‌های ملی، ریشه‌کنی گیاهان، بیکاری و مشکل معیشتی و سرانجام زراعت دیم گزارش شد. از میان عامل‌های تخریب، چرای دام با میانگین بار اهمیت ۴/۲۳ مهمترین عامل تخریب شناسایی شد. در این راستا و در ارتباط با عامل‌های مؤثر بر تخریب مرتع‌ها کشور، در بررسی‌های متعدد چرای دام از مهمترین عامل‌های تخریب مرتع‌ها قلمداد شده است (انصاری و همکاران، ۱۳۸۷؛ کریمی و شریف زاده، ۱۳۹۶؛ Wu et al., 2015؛ Han et al., 2008; Harris, 2009). در ارتباط با عامل چرای دام در این پژوهش و دیگر بررسی‌ها در این زمینه می‌توان استدلال کرد که سایر عامل‌های ریشه‌ای از جمله چرای خارج از فصل مجاز چرا (زودرس در بهار و دیررس در پاییز)، رعایت نشدن ظرفیت مرتع، دامداران غیرمجاز و بدون پروانه چرا در مرتع تأثیرگذارند که باید موردتوجه قرارگیرند. عامل تصرف غیرقانونی زمین‌ها با میانگین عددی بار اهمیت ۲/۱۶ از دیگر عامل‌های مؤثر در تخریب مرتع شناسایی شد. افزون بر این، ریشه‌کنی و بوته‌کنی گیاهان خوراکی و دارویی برای مصرف خانگی با میانگین بار اهمیت ۱/۷۶ از دیگر عامل‌های تخریب مرتع در مرتع قلنگان گزارش شدند.

نتیجه بررسی سنج‌های آموزشی نشان داد که رضایتمندی از شیوه‌های آموزشی (میانگین ۳/۶) رضایتمندی از دوره‌های آموزشی (میانگین ۳/۵)، ضرورت و مفید بودن آموزش‌ها (میانگین ۳/۴)، نیازسنجی (میانگین ۳/۲) اثربخشی رده‌های آموزشی بر بهبود مرتع (میانگین ۳/۱)، آگاهی (میانگین ۳) و اثربخشی دوره‌های آموزشی بر بهبود معیشت (میانگین ۲/۹) به ترتیب بیشترین بار اهمیت را داشته‌اند. در بررسی وضعیت مشارکت در مرتع، میزان آگاهی از اثربخشی اقدام‌های اصلاح و احیای مرتع، جایگاه مرتع در معیشت و زندگی مرتعداران و تأثیر مدیریت مرتع بر حفاظت آب‌و‌خاک بررسی شدند. جایگاه مرتع در معیشت و زندگی مرتعداران با میانگین عددی ۴/۱۳ و معیار اثربخشی اقدام‌های اصلاح

گامی به سوی مدیریت پایدار بوم‌نظام‌های مرتعی: ۱- ارائه چارچوب واکاوی و مدل مفهومی مشارکت بهره‌برداران مرتعی

و احیای مرتع با میانگین عددی ۳/۹۶ و آگاهی و اطلاع‌رسانی با میانگین عددی ۲/۷۳ در مرتبه‌های بعدی بار اهمیت مشارکت در مرتع قلنگان قرار دارند.

### ارزیابی معیشت

در ارزیابی معیشت، چهار سنج سرمایه‌های معیشت، تهدیدها و تاب‌آوری معیشت‌ها، معیشت‌های آسیب‌زا و ظرفیت‌های تقویت و تنوع‌بخشی معیشت بررسی شدند. به طور ویژه، نتایج سرمایه‌های معیشت ارایه می‌شود. در ارزیابی سرمایه طبیعی مرتع قلنگان، معیارهای کیفیت آب، وضعیت مرتع، تأمین علوفه، گیاهان دارویی و حیات‌وحش و پرندگان واکاوی شدند. در مجموع، سرمایه طبیعی از وضعیت به نسبت خوبی در منطقه برخوردارند. بیشترین و کمترین بار اهمیت به ترتیب به کیفیت منابع آب و حیات‌وحش و پرندگان با میانگین ۴/۴ و ۳/۲۷ تعلق داشت. در ارزیابی سرمایه انسانی معیشت این مرتع معیارهای افراد دانش‌آموخته، افراد مورد اطمینان، دانش بومی، نیروی کار ماهر و کارآفرینان بررسی شدند. معیار افراد مورد اطمینان با میانگین ۳/۵ بیشترین امتیاز را داشت و دانش بومی، نیروی کار ماهر، افراد تحصیل‌کرده در مرتبه‌های بعدی اهمیت قرار دارند و کارآفرینان با میانگین ۱/۶۳ کمترین بار اهمیت داشت. در ارزیابی سرمایه اجتماعی معیشت، معیارهای اعتماد اجتماعی، روابط و انسجام اجتماعی، تعاونی‌ها و تشکل‌ها، یاریگری‌های سنتی و معیار نهادهای مردمی بررسی شدند. یاریگری‌های سنتی با میانگین ۳/۵۷ بالاترین بار اهمیت را داشت و پس از آن به ترتیب رابطه‌ها و انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی و تعاونی‌ها و تشکل‌ها در مرتبه‌های بعدی اهمیت قرار داشتند. معیار نهادهای مردمی با میانگین ۱/۷۷ پایین‌ترین بار اهمیت را داشت. در ارزیابی سرمایه مالی معیشت، معیارهای فرصت‌های شغلی، وضعیت بیمه، دام و تولیدهای دامی، پس‌انداز و بازنشستگی بررسی شدند. دام و تولیدهای دامی با میانگین ۳/۹ بالاترین بار اهمیت را داشت و پس از آن به ترتیب فرصت شغلی و پس‌انداز قرار داشتند. معیارهای وضعیت بیمه و بازنشستگی به طور مشترک با میانگین عددی ۱ پایین‌ترین بار اهمیت را داشت. در ارزیابی سرمایه فیزیکی معیشت، معیارهای جاده و ترابری، زیرساخت تأمین آب، دسترسی به انرژی، زیرساخت بهداشت و تلفن همراه بررسی شدند. دسترسی به انرژی و تلفن همراه به طور مشترک با میانگین ۴/۹ بالاترین بار اهمیت را داشت و پس از آن‌ها به ترتیب جاده و ترابری و زیرساخت بهداشت در مرتبه‌های بعدی اهمیت قرار داشتند. زیرساخت تأمین آب با میانگین ۴/۴ پایین‌ترین بار اهمیت را به خود اختصاص داد. بر اساس نتیجه پنج‌ضلعی سرمایه‌های معیشت در مرتع قلنگان (خاکپور ۱۴۰۰)، بار اهمیت سرمایه طبیعی برابر ۲/۱۸، سرمایه انسانی برابر ۲/۶ و سرمایه اجتماعی برابر ۲/۹۶ در وضعیت متوسط، سرمایه مالی برابر ۳/۰۱ در وضعیت خوب و سرمایه فیزیکی برابر ۴/۵۰ در وضعیت خیلی خوب قرار داشتند. در مجموع، میانگین بار اهمیت این سرمایه‌ها معادل ۳/۰۵ است. بنابراین، مرتع قلنگان از نظر سرمایه‌های پنج‌گانه معیشت در وضعیت خوب قرار دارد.

### واکاوی ذینفعان

در شناسایی و واکاوی بهره‌برداران در مرتع قلنگان معیارهای افراد حقیقی و حقوقی که از نظر مالی به نتیجه اجرای پروژه‌ها وابسته هستند از راه قانون‌ها و آیین‌نامه‌ها، پروژه را زیر تأثیر قرار می‌دهند به طور مشترک در اجرای آن دخالت دارند. در این راستا، از انجام فعالیت‌های پروژه سود برده یا ضرر می‌کنند، حق مالکیت مادی و یا معنوی بر پروژه دارند و یا ممکن است بر نتیجه پروژه اثر مثبت یا منفی داشته باشند. در ادامه نقش (نوع کمک و همکاری) و مسئولیت‌پذیری (میزان کمک و همکاری) هر یک از بهره‌برداران شناسایی شده در اجرای پروژه‌ها با تأکید بر دولتی و غیردولتی بودن آنان نیز بررسی گردید. در این پژوهش از دستگاه‌های دست‌اندرکار منطقه از راه پیمایش کارشناسی

و گفتگوی چهره به چهره با مرتعداران و مراجعه به سازمان‌ها و ادارات دولتی آماربرداری و شناسایی گردید. در بررسی تأثیرهای احتمالی اجرای پروژه‌ها بر منافع و علاقه بهره‌برداران، مشخص کردن انتظاراتها، منابع و تضاد منافع آنان به تفکیک و با جزئیات بررسی شد. از آنجائی که شناسایی رابطه‌های همکاری (همکاری و مشارکت) و تعارض‌ها (اختلاف، تضاد و مناقشه‌ها) بین ذینفعان در بهره‌برداری از منابع مرتع، نقش اساسی در مشارکت آنان دارد، تعامل‌ها و تعارض‌های موجود بررسی شد که بیشتر در گروه پروژه‌های دولتی تأمین و به اشتراک‌گذاری منابع مالی و در پروژه‌های غیردولتی تعارض منافع استفاده از مرتع و زمین گزارش شد. برپایه‌ی نتیجه ماتریس و واکاوی ذینفعان در مطالعه خاکپور (۱۴۰۰) و مقاله دیگری (خاکپور و همکاران، ۱۴۰۲) ارایه شده است.

### ظرفیت‌سازی و توانمندسازی

در این پژوهش، سنجه‌های ظرفیت‌سازی و توانمندسازی به‌صورت جداگانه بررسی نشدند، با این وجود، ضرورت آن در چارچوب ارایه شده مشخص گردید. در بررسی‌های متعدد ارتباط توانمندسازی بهره‌برداران منابع طبیعی و مشارکت آنان بررسی و تأکید شده است توانمندسازی بهره‌برداران در قالب وام، کمک مالی و افزایش درآمد خانوار می‌تواند زمینه بهتر مشارکت مردم را در امور و حفاظت منابع طبیعی فراهم کند (اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۷).

### تسهیلگری

در زمینه تسهیلگری در مرتع قلنگان سنجه‌های ظرفیت‌سازی، مسئولیت‌پذیری و اعتمادسازی، میانجیگری و مداخله هدفمند، توانمندسازی و مدیریت مرتع بررسی شدند. در ارزیابی سنجه ظرفیت‌سازی معیارهای اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی، تغییر نگرش و تاب‌آوری اجتماعی مرتعداران مطالعه شدند. نتایج نشان داد اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی با میانگین عددی ۴ بیشترین بار اهمیت و تاب‌آوری با میانگین عددی ۳/۶۸ و تاب‌آوری اجتماعی و تغییر نگرش با میانگین عددی ۳/۳۸ در مرتبه‌های بعدی بار اهمیت قرار داشتند. در ارزیابی سنجه مسئولیت‌پذیری معیارهای ارتقای مسئولیت مدنی، جلب اعتماد (اعتمادسازی) و به رسمیت‌شناسی مرتعداران بررسی گردید. نتایج نشان داد به رسمیت‌شناسی بهره‌برداران با میانگین عددی ۳/۹۴ بیشترین بار اهمیت و معیارهای جلب اعتماد (اعتمادسازی) با میانگین عددی ۳/۷ و ارتقای مسئولیت مدنی با میانگین عددی ۳/۶۶ در مراتب بعدی بار اهمیت قرار دارند. در ارزیابی سنجه میانجیگری و مداخله هدفمند معیارهای مدیریت و حل تعارض‌های مرتعداران، انسجام سازمانی دستگاه‌های دست‌اندرکار و تقویت سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد معیار تقویت سرمایه اجتماعی با میانگین ۴ بیشترین بار اهمیت و دو معیار انسجام سازمانی و مدیریت تعارض‌ها به ترتیب با میانگین‌های ۳/۶۶ و ۳/۳۶ در مرتبه‌های بعدی بار اهمیت قرار دارند. ارزیابی سنجه توانمندسازی معیارهای توان‌افزایی (افزایش بهره‌وری)، توسعه الگوهای معیشتی جایگزین و توسعه مهارت، خلاقیت و کارآفرینی برای توانمندسازی نشان داد معیار توان‌افزایی (افزایش بهره‌وری) با میانگین ۳/۶۲ بیشترین بار اهمیت و توسعه مهارت، خلاقیت و کارآفرینی با میانگین ۳/۴ و معیار توسعه الگوهای معیشتی جایگزین با میانگین ۳/۳۲ در مرتبه‌های بعدی بار اهمیت قرار دارند. ارزیابی سنجه مدیریت مرتع قلنگان، معیارهای بهبود پوشش گیاهی، بهره‌برداری اصولی از مرتع‌ها و کنترل عامل‌های تخریب مرتع نشان داد بهره‌برداری اصولی از مرتع‌ها با میانگین ۳/۲۸ بیشترین بار اهمیت را دارد و بهبود پوشش گیاهی با میانگین ۳/۰۸ در مرتبه بعدی بار اهمیت قرار دارد. در مجموع، نتیجه مطالعه معیارهای سنجه‌های مختلف تسهیلگری در مرتع قلنگان

نشان داد اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی با میانگین ۴/۲ بیشترین بار اهمیت و سایر معیارها در مرتبه‌های بعدی قرار داشتند.

### **برنامه اقدام و خروجی نهایی**

در بررسی‌های آینده و در بررسی جزئی‌تر، برای تدوین برنامه اقدام مرتع قلنگان می‌توانند سنجه‌های مشارکت، رویکردها، فعالیت‌ها، تقویت و تنوع‌بخشی معیشت و مدیریت مرتع (کنترل عوامل تخریب، بهبود پوشش گیاهی و بهره‌برداری اصولی) که به‌طور کلی در مدل مفهومی نهایی ارائه شده است بررسی شوند. در این میان، فرایندها، رویکردها و فعالیت‌ها و در راستای کنترل عامل‌های تخریب مرتع، بهبود پوشش گیاهی، تقویت و تنوع‌بخشی معیشت بهره‌برداران و بهره‌برداری اصولی از مرتع‌ها می‌توانند طراحی شوند تا برنامه اقدام مشارکتی با ظرفیت پایش و تطبیق کلیه اقدام‌ها و فعالیت‌ها تدوین شود. خروجی پایانی چارچوب اولیه و مدل مفهومی نهایی، در بخش اجتماعی تقویت مشارکت در مدیریت مرتع و در بخش بوم‌شناختی اصلاح و بهبود مرتع را تضمین خواهد کرد. سرانجام، هدف از این بررسی تدوین و ارائه الگوی مشارکت مردمی بهره‌برداران مرتعی بوده است که در قالب مدل نهایی ارائه شد که می‌تواند با در نظر گرفتن سنجه‌های مؤثر و ارائه برنامه اقدام قابل پایش و تطبیق، مشارکت واقعی بهره‌برداران مرتعی را تضمین کند و وضعیت مرتع‌ها را بهبود بخشد (شکل ۲).

### **نتیجه‌گیری**

با توجه به نتایج ارائه شده در این پژوهش می‌توان گفت لازمه پایداری طرح‌های مدیریت مرتع، در نظر گرفتن چارچوبی جامع است تا بتوان ضمن ارزیابی درست وضعیت مرتع، مرتعداران را به رسمیت شناخت تا دغدغه‌ها و راه‌حل‌های برون‌رفت از وضعیت موجود توسط بهره‌برداران مرتعی شناسایی شوند. در رویکرد ارائه شده در این بررسی، در همان گام‌های اولیه پژوهش و به ویژه در ارزیابی سریع مشارکتی مرتعداران به رسمیت شناخته می‌شوند و در ادامه در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، نظارت و پایش و ارزیابی پروژه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند و مشارکت آنان به رسمیت شناخته می‌شود. بنابراین، چنین مدیریتی به دنبال دیدگاهی جامع‌نگر و چندبعدی است تا ضمن در نظر گرفتن همه پیچیدگی‌های محیطی و منبع‌ها، بهره‌برداران متعدد و چندگانه را به رسمیت شناسد و بتواند رویکردی جامع حاصل مشارکت کلیه ذینفعان و آنچه را به اجماع نزدیک است توسعه دهد. در واقع، این که مشارکت به عنوان یک فرایند مورد توجه قرارگیرد و هماهنگی و همکاری بین بخشی کلیه بهره‌برداران تقویت شود در در راستای مدیریت پایدار منابع طبیعی عمل می‌کند. در نگاهی جامع به مدیریت مرتع که حاصل به رسمیت شناختن پیچیدگی‌های بوم‌نظام‌های مرتعی و اجتماعی (منافع ذینفعان متعدد) است و همچنین عامل‌هایی که می‌توانند اثرگذار باشند، مدیریت پایدار منابع (مرتع‌ها) در هر مقیاسی قابل تحقق است.

در زمینه تخریب مرتع، کاربرد اجرایی این پژوهش در شناخت و ارائه تصویری مناسب از وضعیت و شدت عامل‌های تخریب مرتع است که تصمیم‌گیران و مجریان با شناخت لازم از ریشه‌های این عامل‌ها بتوانند در راستای کنترل و مهار عامل‌های شکل‌گیری تخریب، تصمیم‌های آگاهانه‌تر و مؤثرتری اتخاذ کنند. شناخت و درک صحیح از عامل‌های تخریب مرتع زمینه‌ای ایجاد می‌کند که این عامل‌ها اولویت بندی شوند و مقابله با عامل‌های تخریب را افزایش دهد. میزان

توان و ظرفیت بهره‌برداران در کنترل و مقابله با عامل‌های تخریب، همواره به‌عنوان عاملی محدودکننده در برنامه‌های مدیریت مرتع نقش اساسی دارد که باید در برنامه‌ریزی‌های مدیریتی مرتع مدنظر قرار گیرد.

برای ارزیابی مفید بودن و ضرورت گام‌های آموزشی در مدیریت مشارکتی مرتع، بررسی و ارزیابی اثربخشی آموزش‌ها تعیین‌کننده است. نیازسنجی اصولی، تهیه و تدوین محتوای آموزشی متناسب و کاربردی، استفاده از ابزارهای مناسب کمک آموزشی و انتخاب شیوه‌های مناسب آموزشی نقش اساسی در اثربخشی و مفید واقع شدن اقدام‌های آموزشی دارد. با توجه به نتایج به‌دست آمده از این پژوهش لازم است برای ارتقای اثربخشی اقدام‌های آموزشی، به گزینه‌هایی مانند تدوین محتوای آموزشی کاربردی، انتخاب زمان و مکان مناسب برگزاری دوره‌های آموزشی، استفاده از بسته‌ها و تجهیزهای کمک‌آموزشی مناسب، تأکید بر بخش عملی آموزش‌ها و بازدیدهای ترویجی از الگوهای موفق متناسب با آموزش‌ها و همچنین برگزاری دوره‌های آموزشی به‌صورت کارگاهی توجه و اهتمام ویژه‌ای شود. نکته این که نیازسنجی بستر برداشتن گام‌های آموزشی دیگر است که اگر به‌شکل صحیح و اصولی صورت گیرد. اثربخشی سایر سنجه‌های آموزشی امکان‌پذیر است.

برای دستیابی به مدیریت پایدار مرتع، توجه به کلیه عامل‌های تأثیرگذار بر بهره‌برداری و مدیریت مرتع ضروری است. معیشت به‌عنوان محور و مرکز اصلی مدیریت پایدار مرتع به رسمیت شناخته شده است (Khedrigharibvand et al., 2019; et al., 2018). بنابراین، توجه به معیشت زیربنای هر طرح و برنامه‌ای در مدیریت پایدار مرتع است. سرمایه‌های معیشت از سنجه‌های اصلی چارچوب معیشت پایدار هستند و نقش اساسی در تأمین معیشت دارند. پنج سنجه اصلی طبیعی، انسانی، اجتماعی، مالی و فیزیکی سنجه‌های سرمایه معیشت هستند که هیچ یک بدون دیگری نمی‌تواند هدف‌های تأمین معیشت پایدار را برآورده سازد. براین اساس، در این پژوهش معیارهای پنج‌گانه سنجه سرمایه معیشت و واکاوی پنج‌ضلعی معیشت به‌طور ویژه مورد توجه قرار گرفتند. در مجموع از میان سرمایه‌های معیشت که در این پژوهش بررسی شدند، سرمایه فیزیکی بیشترین تأثیرگذاری و سرمایه‌های اجتماعی، انسانی، مالی و طبیعی به ترتیب در مراتب اهمیت بعدی قرار دارند. کاربرد اجرایی این پژوهش در ارائه تصویری مناسب از شدت و ضعف سرمایه‌های مختلف برای دستیابی به معیشت پایدار است که تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران و مجریان با این شناخت می‌توانند تصمیم‌های آگاهانه‌تری اتخاذ کنند.

مدیریت موفق منابع طبیعی به ویژه مدیریت مرتع نیازمند نوعی برنامه‌ریزی است که در آن نقش بهره‌برداران مرتعی به‌عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار برجسته شود و به دیدگاه‌های سایر ذینفعان در تصمیم‌های مدیریتی توجه گردد و مشارکت و دخالت مردم در پروژه‌های منابع طبیعی می‌تواند به حفاظت پایدار و تسهیل حمایت جامعه‌های محلی بیانجامد (اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۸). در راستای جلب مشارکت بهره‌برداران مرتعی و سایر ذینفعان در اجرای طرح‌ها و پروژه‌های مدیریت مرتع، مشارکت کمینه و بیشینه گروه‌های مختلف بهره‌بردار با توجه به گستردگی متفاوت توانایی و دامنه قدرت اثرگذاری و حتی علاقه آنان اهمیت حیاتی دارد. با شناسایی میزان تأثیرگذاری و علاقه‌مندی و حمایت از عملیات اجرایی می‌توان از حمایت همه ذینفعان بهره برد و در صورت بروز مشکل یا تعارض برای حل و فصل دشواری برنامه‌ریزی کرد.

رویکرد تسهیلگری دیدگاهی است که با توجه به در نظر گرفتن سنجه‌های اصلی و معیارهای مرتبط، می‌تواند بسیاری از دشواری‌های بخش مدیریت مرتع را برطرف کند. جایگاه تسهیلگری و نقش تسهیلگران در برآورده شدن

گامی به سوی مدیریت پایدار بوم‌نظام‌های مرتعی: ۱- ارائه چارچوب واکاوی و مدل مفهومی مشارکت بهره‌برداران مرتعی

وظیفه‌های اصلی خود همچون ظرفیت‌سازی، مسئولیت‌پذیری، میانجیگری، توانمندسازی و بهبود مدیریت مرتع نشان می‌دهد هدف‌های مدیریت پایدار مرتع به‌تنهایی با ارتباط بخش اجرا و مرتعداران برآورده نشده و باید بخش میانجی و تسهیل‌کننده امور به رسمیت شناخته و به آن ارزش داده شود. یافته‌های این پژوهش در بررسی‌های بعدی به صورت جزئی‌تر ارائه می‌شوند.

## منابع

- الله ویردی، مهرشاد؛ حمزه، فرهاد؛ اخباری، محمد. (۱۴۰۰). مدل الگوی مشارکت اجتماعی در توسعه پایدار محلات شهری (مطالعه موردی منطقه ۶ شهر تهران). *فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۳(۲)، ۹۴۲-۹۲۷.
- اکبرزاده، پیمان؛ کابلی، سیدحسن؛ رجبی، محمدرضا. (۱۳۹۸). نقش توانمندسازی جوامع محلی در مدیریت پایدار منابع طبیعی (مطالعه موردی: حوزه رامه شهرستان آرادان). *فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۲(۱)، ۵۷۳-۵۹۴.
- انصاری، ن؛ سیداخلاقی شال، سیدجعفر؛ قاسمی، محمدحسن. (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر در تخریب منابع طبیعی کشور و سهم آن‌ها در تخریب. *تحقیقات مرتع و بیابان ایران*، ۱۵(۴)، ۵۰۸-۵۲۴.
- انصاری، ثمینه؛ عندلیب، علیرضا. (۱۳۹۵). الگویی نوین برای ارزیابی میزان مشارکتی بودن طرح‌ها، نمونه: محله خوب بخت. *فصلنامه علمی-پژوهشی نقش جهان*، ۶(۱)، ۵-۱۷.
- بیرجندی، محمد؛ لاریجانی، مریم؛ شبیری، سیدمحمد. (۱۳۹۸). ارائه مدل نظری مولفه‌های سازمانی اثرگذار بر توسعه کارآفرینی برای سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه محیط زیست. *مجله علوم اجتماعی*، ۳۳(۱)، ۱۶۱-۱۸۶.
- توانایی بشرویه، هانیه؛ بهزادی، محمدحسن؛ خانی، محمدرضا. (۱۳۹۵). ارائه مدل مفهومی مشارکت مردمی در مدیریت پسماند شهر تهران (مطالعه موردی مناطق ۳، ۶ و ۲۱). *فصلنامه انسان و محیط زیست*، ۳۸، ۳۷-۴۷.
- خاکپور، هومان. (۱۴۰۰). *تدوین مدل مفهومی الگوی نوین مشارکت مرتعداران در مدیریت مراتع (مطالعه موردی: مرتع قلنگان شهرکرد)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهرکرد.
- سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور. (۱۳۹۷). *دستورالعمل فعالیت‌های آموزش، ترویج و مشارکت‌های مردمی در طرح‌های محوری منابع طبیعی*.
- رحیم زاده سیسی بیگ، سیروس؛ شیخ‌الاسلامی، علیرضا؛ ذاکر حقیقی، کیانوش. (۱۴۰۱). *تدوین الگوی مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در نظام مدیریت شهری (نمونه موردی: کلان‌شهر تهران)*. *فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات جغرافیایی*، ۳۷(۲)، ۱۵۱-۲۴۱.
- سالاریان، محمد؛ داوری، کامران؛ علیزاده، امین؛ لگزیان، محمد؛ فاضلی، محمد. (۱۳۹۸). چارچوب دستیابی به چشم‌انداز مشترک در مدیریت مشارکتی-راهبردی آب (مطالعه موردی: حوضه آبخیز کشف رود). *اکوهیدرولوژی*، ۶(۴)، ۸۸۶-۸۶۵.
- شعبانعلی قمی، حسین؛ رضایی، مسعود؛ رستمی، فرحناز. (۱۳۸۳). چالش‌ها و استراتژی‌های سازماندهی سیستم‌های توسعه کشاورزی در آسیا. *ماهنامه نشریه جهاد*، ۴۶، ۳-۸.

- عراقیه فراهانی، فاطمه؛ نوابخش، مهرداد؛ متقی، ابراهیم. (۱۴۰۰). ارزیابی مدل از عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان در اجرای طرح های توسعه توسعه پایدار نواحی شهری (مطالعه موردی: شاغلین دستگاههای اجرایی شهر اراک). *فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۳(۲)، ۵۰۵-۵۲۷.
- علیزاده، ندا؛ علی پور، حسن؛ میرترابی، مهدیه السادات؛ موزن، زینب. (۱۳۹۷). مؤلفه های تأثیرگذار بر تحول نظام ترویج کشاورزی ایران. *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران (علوم کشاورزی ایران)*، ۴۹(۲)، ۳۳۱-۳۴۵.
- قربانی زاده، وجه الله؛ معتضدیان، رسول؛ حسین پور، داود؛ رهبر، عباسعلی. (۱۴۰۰). طراحی الگوی مشارکت عمومی در خط مشی گذاری با رویکرد چندروشی. *فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، ۱۱(۳۹)، ۶۸-۹۳.
- قربانی، مهدی؛ رحیمی بالکانلو، خدیجه؛ جعفری، محمد؛ طویلی، علی. (۱۳۹۴). تحلیل سرمایه اجتماعی شبکه بهره برداران در راستای مدیریت مشارکتی انطباقی مرتع. *نشریه علمی پژوهشی مرتع*، ۱۹(۱)، ۹۱-۱۰۵.
- کریمی، جلیله؛ شریفزاده، مریم. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت بهره برداران در اجرای طرح های مرتعداری: مورد مطالعه دهستان گل تپه، شهرستان سقز. *تحقیقات مرتع و بیابان ایران*، ۲۴(۱)، ۱۸۱-۱۹۰.
- کشاورز، مرضیه؛ مؤیدی، معصومه. (۱۳۹۴). چالش های نظام ترویج کشاورزی در سازگاری با تغییر اقلیم: دیدگاه کارشناسان کشاورزی استان فارس. *فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۴۷(۲)، ۴۵۳-۴۶۶. از <https://doi.org/10.22059/ijaedr.2016.59719>
- مقیم، بنهنگی؛ باقری، علی. (۱۳۹۷). چارچوب ارزیابی ساختار حکمرانی و ارتقای مشارکت عمومی در طرح های مدیریت زیست محیطی: کاربرد در طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی. *مجله محیط شناسی*، ۴۴(۳)، ۵۶۵-۵۸۶.
- Ballet, J., Sirven, N., & Requiers-Desjardins, M. (2007). Social capital and natural resource management: a critical perspective. *The Journal of Environment & Development*, 16(4), 355-374.
- Easdale, M. H., & López, D. R. (2017). Sustainable livelihoods approach through the lens of the state-and-transition model in semi-arid pastoral systems. *The Rangeland Journal*, 38(6), 541-551.
- Grilli, G., & Notaro, S. (2019). Exploring the influence of an extended theory of planned behaviour on preferences and willingness to pay for participatory natural resources management. *Journal of environmental management*. 232, 902-909.
- Han, J., Zhang, Y., Wang, C., Bai, W., Wang, Y., Han, G., & Li, L. (2008). Rangeland degradation and restoration management in China. *The Rangeland Journal*, 30, 233-239.
- Harris, R. B. (2009). Rangeland Degradation on the Qinghai-Tibetan Plateau: A Review of the Evidence of Its Magnitude and Causes. *Journal of Arid Environments*. 74, 1- 12.
- Hill, J., & Mustafa, S. (2011). Natural Resources Management and Food Security in the Context of Sustainable Development, *Sains Malaysiana*, 40(12), 1331-1340.
- Khedrigharibvand, H., Azadi, H., Bahrami, H., Tesfamariam, Z., Bazzazi, A. A., De Maeyer, P., & Witlox, F. (2018). Sustainable rangeland management in southwest Iran: application of the AHP-TOPSIS approach in ranking livelihood alternatives. *The Rangeland Journal*, 40(6), 603-614.
- Mertz, O., Wadley, R. L., & Christensen, A. E. (2005). Local land use strategies in a globalizing world: Subsistence farming, cash crops and income diversification. *Agricultural systems*, 85(3), 209-215.
- Reed, M. S., Stringer, L. C., Dougill, A. J., Perkins, J. S., Athlpheng, J. R., Mulale, K., & Favretto, N. (2015). Reorienting land degradation towards sustainable land management: Linking sustainable livelihoods with ecosystem services in rangeland systems. *Journal of environmental management*, 151, 472-485.
- Wang C., Pang W., & Hong, J. (2017). Impact of a regional payment for ecosystem service program on the livelihoods of different rural households. *Journal of Cleaner Production*. 164, 1058-1067.



---

Wu, X., Zhang, X., Dong, S., Cai, H., Zhao, T., Yang, W., & Shao, J. (2015). Local perceptions of rangeland degradation and climate change in the pastoral society of Qinghai-Tibetan Plateau. *The Rangeland Journal*, 37(1), 11-19.

## **A Step Towards Sustainable Rangeland Management: 1- Development of an Analytical Framework and Conceptual Model for Participation of Rangeland Users**

**Khakpour, H., Ebrahimi, A. and Khedricharibvand, H.<sup>1,2</sup>**

Principal patterns of exploitation in complex socio-ecological rangeland systems and the development of patterns of public participation are regarded as a foundation for the sustainable rangeland management (SRM), which ultimately leads to the synergy of local communities to protect the natural resources. In order to better understand these complex socio-ecological systems, meet complex global challenges and achieve SRM, it is necessary to develop and assess practical and operational frameworks of participatory management. Considering the lack of information and knowledge gap, the present study provides a new and comprehensive framework in the context of participatory rangeland management. This study, while presenting the analytical framework of rangeland users' participation, and its assessment in Ghelangan rangeland of Shahrekord, provided a conceptual model based on the case study. In this regard, 30 local experts were selected through targeted non-probability sampling, while interviewing them, a structured questionnaire with a Likert scale was used to collect the data and information. The main criteria investigated included education, participation, mobilization, and livelihood capital, with related sub-criteria. In this study, the average of each sub-criterion was presented in the final model. The results of each partial measurement were examined in separate studies. As a final conclusion, we emphasize the necessity of development of new conceptual frameworks for better participation of rangeland users and ensuring SRM.

**Keywords:** Analytical framework, Conceptual model, Ghelangan rangeland, Rangeland users' participation, Shahrekord.

---

1. Corresponding author, Email: hkhedrig@gmail.com

2. Graduated M.Sc. Student, Associate and Assistant Professors, Shahrekord University, respectively.